



دکتر محمد مهدی مطیعی، مسئول رصدخانه دانشگاه فردوسی مشهد
هنوز سرشار از شوق دیدن ستاره هاست

۵۴

هر شبِ آسمان یک شگفتانه



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

اعضای خانه «وکیلی» حضور در اجتماعات شبانه
سعدآباد را به بخشی از زندگی روزمره خود تبدیل کرده‌اند

خانواده‌ای که شب‌هایش را
با محله قسمت می‌کند

۶



با پیگیری معتمدان محلی و رضایت ۱۱ مالک
پرونده تعریض خیابان شهید شافعی به جریان افتاد
بن بست ترافیکی توس ۵۵
در مسیر گشایش

۳

خاطره شنیدنی زهرا هادیزاده
شاگرد دیروز و معاون پرورشی امروز
ناهار خوردن در زنگ علوم

۷



اهالی محله ارشاد از مشکلات زمین رهاشده خیابان شهید صادقی ۱۴ می گویند

پارکینگ روزانه پاتوق شبانه

صفائی اکی پایین تر از خیابان شهید صادقی ۱۴، روبه روی سازمان آب، زمینی بزرگ و بدون استفاده قرار گرفته است؛ زمینی که در اختیار سازمان آب است و البته در طول روز و زمان اداری خودروهای کارکنان این اداره در آن پارک می کنند، اما با نزدیک شدن غروب، فضای زمین شکل دیگری به خود می گیرد. برخی از اهالی می گویند حضور معتادان متجاهر، کارتن خواب ها و زباله گرد ها، در این فضا آرامش همسایه ها را تحت تأثیر قرار داده است.

هم قدم



● در دسر ها با شب از راه می رسند

عبدالصالح معزی، یکی از ساکنان دیوار به دیوار این زمین، می گوید: روزها از این زمین به عنوان پارکینگ استفاده می شود، اما غروب به بعد، تبدیل به پاتوق معتادان متجاهر و کارتن خواب ها می شود.

او ادامه می دهد: شب هایی که هوا سرد است، پای دیوار آتش روشن می کنند تا گرم شوند. ما از سروصدا و آلودگی این وضعیت درمان نیستیم. از طرف دیگر، متأسفانه بعضی از همسایه ها هم بی توجه به شرایط، زباله هایشان را کنار دو درختی که در زمین وجود دارد رها می کنند و همین موضوع باعث جمع شدن جانوران موذی می شود.

معزی معتقد است با توجه به وسعت زمین، می توان از آن استفاده بهتری کرد. او پیشنهاد می دهد: اگر برای شهرداری امکان دارد، خوب است اینجا به فضای سبز یا فضای بازی کودکان تبدیل شود. هم زمین از این وضعیت خارج می شود و هم بچه های محله می توانند از آن استفاده کنند.

● محل تفکیک زباله زباله گرد ها

هادی محمدزاده، یکی دیگر از همسایه ها، وسعت زمین را یکی از دلایل شکل گیری این شرایط می داند و توضیح می دهد: مساحت زمین زیاد است و قسمت انتهایی آن به پاتوق مناسبی برای معتادان، کارتن خواب ها و زباله گرد ها تبدیل شده است.

او می افزاید: گاهی زباله گرد ها و سایلشان را اینجا می آورند تا آن ها را تفکیک و مرتب و برای بردن به حاشیه شهر گوشه ای جمع کنند. از طرفی آن ها می دانند بعضی از همسایه ها هم زباله هایشان

را اینجا می ریزند و برای جمع کردن مواد بازیافتی لایه لای آن زباله ها به این محل می آیند. خلاصه اینکه وضعیت مناسبی نیست.

زهرامتی، یکی دیگر از ساکنان محله که خانه اش کمی با این زمین فاصله دارد، می گوید: سعی می کنیم شب ها از این مسیر تردد نداشته باشیم. متأسفانه گاهی خودرو هایی در این زمین توقف می کنند و در تاریکی، افرادی داخل آن ها مواد مصرف می کنند. در مجموع شرایط نامناسبی ایجاد شده و افرادی از نقاط دیگر شهر به اینجا می آیند و برای مردم محله دردسر ایجاد می کنند. او از شهرداری تقاضا دارد که حداقل زمین محصور شود تا این شرایط بهتر شود.

بعضی از همسایه ها هم بی توجه به شرایط، زباله هایشان را کنار دو درختی که در زمین وجود دارد رها می کنند و همین موضوع باعث جمع شدن جانوران موذی می شود



● زمین شخصی، خارج از اختیار شهرداری

رئیس اداره خدمات شهری منطقه یک، در پاسخ به این مطالبه شهروندان می گوید: این زمین متعلق به شهرداری نیست؛ بنابراین نمی توانیم در آن فضای سبز یا زمین بازی برای کودکان حتی برای زمان موقت هم ایجاد کنیم.

مجتبی میربلوکی با اشاره به وضعیت نظافت این زمین ادامه می دهد: این فضا به صورت روزانه توسط اداره خدمات شهری منطقه یک پاک سازی می شود. اما باز هم شهروندان بدون در نظر گرفتن زمان جمع آوری زباله وقت و بی وقت زباله هایشان را در اینجا رها می کنند.

وی تأیید می کند که این زمین در اختیار سازمان آب است و به عنوان پارکینگ استفاده می شود. او درباره محصور کردن زمین نیز می گوید: امکان دیوار کشی آن توسط شهرداری منطقه وجود ندارد.

آموزش فرهنگ شهروندی در قالب تئاتر خیابانی در معابر منطقه یک اجرایی می شود

لبخند مهر، از مدرسه تا خیابان

صفائی هم زمان با آغاز سال تحصیلی، طرح «لبخند مهر» در منطقه یک مشهد، فرهنگ شهروندی را از فضای مدرسه به خیابان ها آورده است تا ما فهمیم شهروندی بازبان هنر و در فضایی شاد و تعاملی به شهروندان به ویژه دانش آموزان آموزش داده شود.

هفته گذشته، چهارراه دکتر امیربان اجرای نمایشی با موضوع رعایت حق تقدم عابران پیاده بود. این برنامه ها با هدف توجه بیشتر به حقوق عابران و رفتارهای صحیح ترافیکی اجرا شد. طرح «لبخند مهر» با محوریت معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه، قرار است در هفته های آینده نیز با برنامه های نمایشی مرتبط با فرهنگ ترافیک در نقاط مختلف منطقه اجرا شود.



مراقبت از فضای سبز در فصل برگ ریزان

با آمدن فصل پاییز و ضرورت نگهداری از فضای سبز، اقدامات متعددی در بوستان ها و معابر منطقه یک انجام شده است. جمع آوری و ویدیوی برگ هادر خیابان رضا، برگ رویی بولوار خیام و رفع خاموشی بوستان جامی از جمله این اقدامات است. همچنین ال ای دی های تمبری سه راه ادبیات نصب و نقص آبخوری بوستان فلسطین و تجهیزات بدن سازی پارک ششصد دستگاه برطرف شد.

در پارک نیلوفر نیز علف زنی، لکه گیری چمن، اصلاح کف پوش زمین بازی و شست و شوی سرویس های بهداشتی انجام شد. کاشت گل های فصلی، انتقال ۳ هزار بوته همیشه بهار و هزار بوته کلم و هرس پرچین های خیابان بعثت نیز بخشی دیگر از این اقدامات از ابتدای فصل پاییز تاکنون بوده است.

شهر خبر



آبکوه به سمت آبادانی

عملیات لکه گیری و بهسازی آسفالت معابر محدوده آبکوه، در پی درخواست های شهروندان و با هدف بهبود وضعیت تردد در این محدوده آغاز شده است. در این طرح، معابری که بخش هایی از آسفالت آن ها دچار خرابی و آسیب شده است، شناسایی شده و بر اساس میزان نیاز در اولویت اجرای عملیات قرار گرفته اند.

اجرای لکه گیری در نقاط آسیب دیده، علاوه بر کمک به بهبود کیفیت سطح معابر، می تواند تردد خودرو ها و عابران را نیز روان تر و ایمن تر کند. این اقدامات متناسب با درخواست های مردمی و اولویت های اجرایی، برای نقاط نیازمند ترمیم در دیگر محدوده های منطقه نیز انجام خواهد شد.



با پیگیری معتمدان محلی و رضایت
۱۱ مالک، پرونده تعریض خیابان
شهید شافعی به جریان افتاد

بن بست ترافیکی توس ۵۵ در مسیر گشایش



صدر/عرض کم خیابان توس ۵۵ (شهید شافعی) سال هاست یکی از دغدغه های ساکنان محله نوده است. وجود املاک در مسیر سبب شده است قسمت هایی از این خیابان فقط محل تردد یک خودرو باشد و برای رفت و آمد عابر پیاده هم جای کافی وجود نداشته باشد. این مشکل در زمان بازگشایی مدارس حادتر می شود. سرویس دانش آموزان و رفت و آمد بچه ها همه دست به دست هم می دهند که گره ترافیکی شدیدی در این مسیر ایجاد شود. در بازدید اخیر شهردار منطقه ۲ از بولوار توس، این مشکل از سوی اعضای شورای اجتماعی محلات مطرح شد و شهرآرامحله آن را پیگیری می کند.

● سردرگمی خودروها و عابران

ظاهر که مدرسه ها تعطیل می شود، خیابان شهید شافعی دیگر شبیه یک معبر معمولی نیست. صف های طولانی ماشین ها در مسیر باریک خیابان شکل می گیرد و هر راننده تلاش می کند راهی برای عبور پیدا کند. دانش آموزان با کوله هایشان از میان این شلوغی راه خود را باز می کنند و گاهی یک توقف کوتاه کافی است تا گره ترافیکی در معبر شکل بگیرد.

اینجا، در دل توس ۵۵، به دلیل وجود چند ملک در مسیر، عرض خیابان کم شده و درست در تقاطع خیابان های شهید شافعی ۸ و ۱۵، هم زمانی رفت و آمد عابران و وسایل نقلیه، این محدوده را به یک گره ترافیکی تبدیل می کند. این مشکل با بازگشایی مدارس بیشتر به چشم آمده است و حالا اهالی امیدوارند با تعیین تکلیف یازده ملک مسکونی، راه برای باز شدن این گره

قدیمی هموار شود. محمد غلامی، یکی از کسبه این محدوده، می گوید: گاهی کسبه حتی برای عبور خودروها باید مانند چراغ راهنما عمل کنند و اگر چند لحظه غفلت شود، میان رانندگان درگیری پیش می آید. از ابتدای مهر و بازگشایی مدارس، این مشکل قدیمی پررنگ تر شده است و بارها در همین محدوده شاهد تصادف خودروها با یکدیگر یا با عابران بوده ایم.

● افزایش مشکلات با آغاز مدارس

در امتداد خیابان شهید شافعی، چند مدرسه قرار گرفته است و همین موضوع باعث شده در ساعات شروع و پایان مدرسه، حجم رفت و آمد به شکل محسوسی افزایش پیدا کند. دبیرستان بوستان علم، دبیرستان مهر، دبستان خرد پیر، دبستان شهید شافعی و مدرسه شیخ صدوق از جمله مراکز آموزشی این محدوده هستند که در حاشیه خیابان اصلی و خیابان شهید شافعی ۸ قرار دارند. ساعت نزدیک به ۱۲ ظهر است که دانش آموزان دبستانی تعطیل می شوند و خانواده هایی که با وسایل نقلیه دنبال فرزندانشان آمده اند، در گره ترافیکی این معبر مجبور به توقف می شوند و راه رفت و آمد برای عابران پیاده هم به سختی باز است. معصومه تاجرآبادی، از ساکنان محدوده، یکی از نگرانی های اصلی را امنیت دانش آموزان می داند. او می گوید: بارها خودروها نزدیک کودکان و دانش آموزان حرکت کرده اند و حتی مواردی پیش آمده که ماشین از روی پای بچه ها عبور کرده است. او ادامه می دهد: اتوبوس و مینی بوس نیز به دلیل عرض کم خیابان نمی توانند تا انتهای مسیر بروند و هنگام برگزاری اردوهای مدرسه، دانش آموزان باید خود را به ابتدای خیابان برسانند تا سوار اتوبوس شوند که آن هم خطرناک است و مسئولیت زیادی دارد.

● مالکان، آماده برای فروش

آنچه امروز بیش از گذشته برای اهالی اهمیت پیدا کرده، مشخص شدن تکلیف املاکی است که در مسیر بازگشایی

معبر قرار گرفته اند. عباس سیستانی، رئیس شورای اجتماعی محله نوید، از اهالی و پیگیران این موضوع، می گوید ساکنان این املاک برای همکاری و تملک اعلام رضایت کرده اند. او توضیح می دهد: برای بازگشایی کامل معبر، یازده ملک باید تعیین تکلیف شود و با تملک آن ها، عرض خیابان افزایش پیدا می کند و مسیر به وضعیت مناسب تری می رسد. از این تعداد چهار ملک اهمیت بیشتری دارند، چون درست در محل تقاطع دو خیابان قرار گرفته و رفت و آمد را سخت تر کرده اند. خوشبختانه مالکان نیز برای رفع این مشکل همراه هستند و امیدوارند روند تملک ها هرچه زودتر به نتیجه برسد تا عرض خیابان در بخش مورد نظر بیشتر شود و خودروها به راحتی مسیر تردد خود را انتخاب کنند.

محسن رضایی، از معتمدان و ساکنان قدیمی محله، می گوید: شنبه گذشته و بعد از بازدید های نهایی مالکان را به مسجد امام حسین (ع) دعوت کردیم و آن ها نیز رضایت خود را به صورت مکتوب ارائه دادند. این نامه را با مهر مسجد به شهرداری منطقه تحویل دادیم تا با تشکیل پرونده و روند قانونی تملک ها انجام و معبر بازگشایی شود.

● تملک ۲ ملک تا ماه آینده

مسئول امور املاک شهرداری منطقه درباره ملک های در مسیر خیابان توس می گوید: از ابتدای سال برای تملک دو پلاک ابتدای خیابان شهید شافعی ۸ در معبر توس ۵۵ اقدام کردیم و توانستیم اعتبار لازم را دریافت کنیم.

علی صفری توضیح می دهد: این دو ملک درست در ابتدای معبری قرار دارد که مدارس در مسیر آن است و ترافیک سنگینی ایجاد می کند. برآورد ریالی برای این دو معبر با توجه به مساحت آن و براساس قیمت ابتدای سال ۶ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است و مالکان می توانند آن را به صورت نقدی یا تعویض با ملک دریافت کنند. همچنین از مالکان دعوت کردیم که به شهرداری منطقه مراجعه کنند. در صورت همکاری آن ها، پرونده تشکیل می شود و کارشناسی و مذاکرات نهایی به انجام خواهد رسید. تنظیم صلح نامه نهایتاً یک ماه زمان می برد و بعد از آن وارد فاز اجرایی و تخریب ملک های در مسیر می شویم.

صفری به ۹ ملک دیگر در این مسیر اشاره می کند و می افزاید: ۶ ملک در فاصله بین معبر شافعی ۶ و ۸ و دو ملک دیگر نیز در ابتدای شافعی ۲ قرار دارد. تلاش می کنیم برای این املاک نیز امسال اعتبار لازم را دریافت کنیم تا پرونده این ملک ها نیز به جریان بیفتد و با همکاری مالکان این املاک نیز تملک و معبر به صورت استاندارد بازگشایی شود.



دکتر محمد مهدی مطیعی، مسئول رصدخانه دانشگاه فردوسی مشهد
هنوز سرشار از شوق دیدن ستاره‌هاست

هر شب آسمان، یک شگفتانه

۲



داستان جلد

حمیده صفائی شب‌های یزد برای محمد مهدی مطیعی با تماشای ستاره‌ها می‌گذشت؛ شب‌هایی که پشت بام خانه، برای پسر بچه‌ای هفت هشت ساله به تماشاخانه‌ای بزرگ تبدیل می‌شد.

او به همراه برادرانش پیش از خواب به آسمان نگاه می‌کرد، ستاره‌ها را می‌شمرد و در ذهنش برای آنچه می‌دید، تصویری می‌ساخت؛ اما پاسخ بسیاری از سؤال‌هایش را نمی‌دانست. سال‌ها بعد، همان کنجکاوی کودکان او را به رصدخانه دانشگاه فردوسی مشهد و تحصیل در رشته نجوم و اخترفیزیک رساند. حالا دکتر مطیعی، یک منجم حرفه‌ای و مسئول رصدخانه دانشگاه فردوسی مشهد است. این ساکن محله فرامرزی عباسی، هنوز هم وقتی چشمش را به تلسکوپ می‌سپارد، انگار به همان آسمان سال‌های کودکی برمی‌گردد؛ آسمانی که هر چه بیشتر شناخته، سؤال‌های بیشتری برایش ایجاد شده است.

دنیای تازه در مشهد

کودکی آقامحمد مهدی در دهه ۶۰ گذشت و دسترسی به کتاب و منابع علمی به اندازه امروز آسان نبود. آن زمان اینترنتی در کار نبود که یک سؤال را جست و جو کند و چند ثانیه بعد ده‌ها پاسخ پیش رویش قرار بگیرد. خیلی از پرسش‌ها در ذهنش می‌ماندند و بعد به خاطر درگیر شدن با درس و مدرسه، آن‌ها را به فراموشی می‌سپرد.

سال ۱۳۶۹ به همراه خانواده به مشهد آمدند. مشهد بزرگ‌تر بود و امکانات علمی بیشتری داشت. او در دبیرستان فردوسی درس خواند و کتابخانه‌ها و منابع تازه‌ای در دسترسش قرار گرفتند. با وجود کتابخانه‌های بزرگ مشهد، آن روزها هنوز قرار نبود آقامحمد مهدی یک منجم حرفه‌ای شود. به قول خودش مثل بسیاری از نوجوان‌ها، درس و کنکور بخش اصلی زندگی‌اش بود. سال ۱۳۷۲ با قبولی در رشته فیزیک وارد دانشگاه شد و یک سال بعد، اتفاقی افتاد که دوباره آسمان را به زندگی‌اش برگرداند.

آسمان‌رهایم نکرد

سال اول دانشجویی که گذشت، مطیعی به همراه تعدادی از دوستانش تصمیم گرفتند کارهای فوق برنامه انجام دهند؛ کاری که فقط به کلاس و کتاب محدود نباشد.

او می‌گوید: برای انجام برنامه‌های جانبی سراغ استاد‌های مختلف رفتیم، اما استقبال چندانی نکردند. البته آن زمان ما هم دانش محدودی در حوزه فیزیک داشتیم. تا اینکه با دکتر محمد تقی عدالتی، از اساتید معروف ستاره‌شناسی و رئیس رصدخانه دانشگاه فردوسی صحبت کردیم. ایشان از پیشنهاد ما برای فعالیت‌های جانبی استقبال کردند و پای ما به رصدخانه باز شد.

همین ورود ساده به رصدخانه، یکی از تغییرات مهم زندگی او بود. این منجم حرفه‌ای تعریف می‌کند: وقتی توضیحات دکتر عدالتی را درباره نجوم می‌شنیدیم، علاقه‌مان به آسمان بیشتر شد؛ زیر نظر ایشان وارد رصدخانه شدیم و ستاره‌ها را رصد می‌کردیم. ماه‌پای ثابت رصد‌های ما بود.

او ادامه می‌دهد: ابزارهای آن روزها با امکانات امروز قابل مقایسه نبودند. دوربین‌های دیجیتال اولیه و تجهیزات محدود، وسیله ثبت آسمان بود؛ اما برای جوان‌هایی مثل ما که تازه داشتیم دنیای نجوم را کشف می‌کردیم، همین ابزارها کافی بود تا نگاهمان به آسمان عوض شود. سال‌ها بعد، همین علاقه‌ورانه تحصیل جدی در علم نجوم رساند.

انجمنی برای علاقه‌مندان به نجوم

مطیعی سال ۱۳۷۷ از دانشگاه فارغ التحصیل و به خاطر تخصصش در حوزه‌های مختلف کامپیوتر در مرکز تحقیقات زمین لرزه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشغول به کار شد. در کنار کار و زندگی روزمره، علاقه به نجوم همچنان همراهش بود.

او می‌گوید: فعالیتیم در حوزه نجوم به دانشگاه محدود نماند و به صورت جدی تر آن را دنبال کردم و دوره‌های آموزشی را می‌گذراندم. از اوایل دهه ۸۰، نجوم آماتوری در ایران رونق بیشتری گرفت. برنامه‌های عمومی مانند روز و هفته نجوم و فعالیت‌های آموزشی باعث شد آسمان شب برای افراد بیشتری به موضوعی جذاب تبدیل شود. سال ۱۳۸۱ با پیشنهاد دکتر عدالتی، گروه نجوم «آسمان توس» را با تمرکز بر کودکان و نوجوانان تشکیل دادیم. گروهی که پس از درگذشت دکتر عدالتی در سال ۱۳۸۳ نیز به فعالیت خود ادامه داد و چند سال بعد، در سال ۱۳۸۶، با عنوان انجمن نجوم مشهد به ثبت رسید و یکی از گروه‌های قدیمی نجوم است.

به گفته مطیعی پس از درگذشت دکتر عدالتی رصدخانه مدتی غیرفعال شد تا اینکه در سال ۱۳۸۷، به خاطر فعالیت‌های زیاد مطیعی در علم نجوم به او پیشنهاد کردند مسئولیت رصدخانه دانشکده علوم را بر عهده بگیرد و از همان سال تا کنون در این مجموعه حضور دارد.

در کنار کار و زندگی روزمره، علاقه به نجوم همچنان همراهش بود تا اینکه سال ۱۳۸۸ در مقطع کارشناسی ارشد فیزیک نجومی پذیرفته شد و در ادامه، مسیر تحصیلی خود را تا دکتری نجوم و اخترفیزیک در دانشگاه فردوسی مشهد ادامه داد.

خودش از آن سال‌ها با عنوان دوره‌ای از سختی و علاقه یاد می‌کند: روز‌هایی که باید هم زمان با زندگی و کار، درس هم می‌خواند. اما علاقه اجازه نمی‌داد مسیر را نیمه‌کاره رها کند.



برنامه رصد در کاروان سرای روستای قاسم آباد پنجستان





رصد عمومی در بوستان غدیر

آسمان خانه مطیعی

برای کسی که سال‌ها آسمان را دنبال کرده، بعضی پدیده‌ها را نمی‌توان به بعد موکول کرد. یک مراسم خانوادگی تکرار می‌شود، اما یک پدیده نجومی شاید فقط یک بار در طول عمر قابل مشاهده باشد. مطیعی در انتخاب میان این دو، تردیدی ندارد. او می‌گوید: بین مراسم عادی خانوادگی و پدیده‌های نجومی، انتخاب اول من پدیده نجومی است؛ چون تکرار شدنی نیست. علاقه به نجوم در زندگی خانوادگی مطیعی جریان دارد. او می‌گوید: اغلب زمان‌هایی که همراه خانواده به بیرون از شهر یا باغ دوستان و آشنایان می‌رویم، تلسکوپ را با خودم می‌برم تا رصد خانوادگی داشته باشیم، چون اغلب اطرافیانم نیز به این کار علاقه مندهستند. لبخندی بر لبان او می‌نشیند و می‌گوید: بسیاری از خانواده‌ها وقتی دور هم جمع می‌شوند، درباره مسائل اقتصادی یا سیاسی صحبت می‌کنند، اما در جمع خانوادگی ما بیشتر درباره نجوم و رصد ستارگان صحبت می‌شود؛ به خصوص درباره مسائلی که در فضای مجازی مطرح می‌شود. علاقه خانوادگی به نجوم باعث شده است دیگر اعضای فامیل هم گاهی در برنامه‌های رصد با ما همراه شوند.

فیلم‌های تخیلی، دور از واقعیت نجوم

در فیلم‌های علمی تخیلی مرتبط با فضا، تصاویر عجیب سیارات و داستان‌های سفر به فضا برای ما جذاب است. این بار می‌خواهیم ماجرای این فیلم‌ها را از زبان یک متخصص علم نجوم بشنویم.

مطیعی می‌گوید: فیلم‌های سینمایی فضایی تخیلی دارند و بخش‌هایی از آن‌ها از نظر نجومی درست نیست. یک منجم چیزهایی را می‌بیند که مخاطب عادی متوجه آن نمی‌شود. شاید کسی که پیش زمینه علمی و نجومی ندارد، از این فیلم‌ها بیشتر لذت ببرد. اما برخی از صحنه‌ها از نظر نجومی درست نیستند و ما اصلاً با آن‌ها ارتباط نمی‌گیریم.

در کنار این موضوع، او درباره آینده سفرهای فضایی نیز نگاه واقع‌بینانه‌ای دارد. به باور او، ایده زندگی انسان روی ماه یا مریخ بیشتر از آنکه در شرایط فعلی عملی باشد، یک آرزوی قدیمی بشر و ابزاری برای ایجاد علاقه و سرمایه‌گذاری در علوم فضایی است. او توضیح می‌دهد: فضای مریخ محدودیت‌هایی برای زندگی دارد. نیاز به پوشیدن دائمی لباس‌های فضایی و مشکلات روانی زندگی در محیطی بسته، با آنچه در فیلم‌های سینمایی دیده می‌شود، تفاوت زیادی دارد.

آسمان را باید یاد گرفت

اگر کسی بخواهد تازه وارد دنیای رصد شود، مطیعی بعد از سال‌ها فعالیت، یک توصیه مهم به او دارد: قبل از خرید تلسکوپ، نجوم را یاد بگیرد.

او تلسکوپ را به خودروتشیه می‌کند؛ وسیله‌ای که بدون یادگیری روش

استفاده از آن، چندان به کار نمی‌آید. به گفته او، برخی تلسکوپ‌های موجود در بازار قیمت‌های زیادی دارند و خرید آن‌ها بدون داشتن دانش و تجربه لازم، توجیه اقتصادی ندارد. علاقه‌مندان می‌توانند با هزینه بسیار کمتر در برنامه‌های رصد عمومی رصدخانه دانشگاه فردوسی شرکت کنند.

گم شدن ستاره‌ها در نور

شاید برای کسی که در شهر زندگی می‌کند، دیدن چند ستاره در آسمان اتفاق عجیبی نباشد؛ اما از نگاه یک منجم، آسمان شهر فاصله زیادی با آسمان واقعی شب دارد. دلیلش چیزی است که مطیعی از آن به عنوان «آلودگی نوری» یاد می‌کند: نوری که قرار است خیابان و معبر را روشن کند، اما بخش زیادی از آن به سمت آسمان می‌تابد و مانع دیده شدن ستاره‌های می‌شود. مطیعی می‌گوید: در شب شاید بتوانید کمتر از بیست ستاره را ببینید، در حالی که اگر شرایط مناسب باشد، بین ۷ تا ۹ هزار ستاره را می‌توان مشاهده کرد.

او در این باره توضیح می‌دهد: در شهرهای بزرگ، نورهای مصنوعی شبیه نور خورشید، جو را روشن می‌کنند و همین مسئله مانع دیده شدن بسیاری از اجرام آسمانی می‌شود. بنابراین اگر کسی بخواهد آسمان واقعی را ببیند، باید از شهر فاصله بگیرد.

خاطرات رصد ستارگان در روستا

وقتی از دکتر مطیعی می‌خواهیم از خاطراتش برایمان بگوید، برگزاری اولین رصد عمومی در سال ۱۳۸۱ و آخرین رصد در ۱۹ شهریور امسال برایش خاطره‌انگیزتر است.

او تعریف می‌کند که نخستین برنامه رصدشان به سال ۱۳۸۱ در روستای سربالا، اطراف رباط سنگ تربت حیدریه برمی‌گردد. یکی از معلمان فعال و مشتاق روستا از اعضای انجمن نجوم دعوت کرد تا برای مردم، برنامه رصد برگزار کنند. استقبال روستاییان فراتر از انتظار آن‌ها بود. تمام روستا بسیج شده بودند تا یک رصد خوب برگزار شود. مدرسه را در اختیار آن‌ها گذاشتند. حتی در شب، برق روستا را به خاطر برنامه رصد خاموش کردند.

برای مطیعی و دوستانش، دیدن این میزان علاقه مردم یک روستا به نجوم، خاطره‌ای ماندگار شد.

شهریور سال جاری، نمونه دیگری از همین علاقه را در روستای قاسم‌آباد شهرستان بجنستان تجربه کردند.

مطیعی می‌گوید: ۱۹ شهریور امسال برای برگزاری برنامه رقابت رصد «صوفی» به این روستا رفتیم. همه روستا به استقبال گروه آمده بودند و حدود هشتاد درصد شرکت‌کنندگان برنامه را کودکان تشکیل می‌دادند. به همت دهیار روستا کتابخانه خوبی برای بچه‌ها تهیه کرده بودند و سطح اطلاعات و علاقه آن‌ها برای گروه نجومی ما بسیار جالب بود. شب، زمانی که گروه برای رقابت رصدی از روستا فاصله گرفت، هوا طوفانی شد، اما شرکت‌کنندگان تا آخرین لحظه پای کار ماندند.



دنباله دار هولمز - سال ۱۳۸۶



سحابی جبار سحابی M43 و خوشه باز ستاره‌ای NGC 1977 - سال ۱۳۸۶

زحل، سیاره‌ای که هنوز برایم تکراری نیست

سال‌ها کار و زندگی با آسمان، علاقه مطیعی به بعضی از اجرام آسمانی را بیشتر کرده است. از او می‌پرسیم کدام سیاره را بیشتر دوست دارد، جوابش سیاره زحل است. اما انتخاب زحل فقط به زیبایی حلقه‌هایش بر نمی‌گردد. برای او، زحل بخشی از خاطرات نخستین سال‌های رصدش هم هست. او می‌گوید: وقتی از پشت تلسکوپ به این سیاره نگاه می‌کنید، حلقه دور آن، قمرها و سایه حلقه روی کره دیده می‌شود. تمام این‌ها در کنار هم خیلی زیباست. دکتر مطیعی درباره زیبایی آسمان تعریف می‌کند: سال‌هاست زحل را دنبال می‌کنم. حدود ۲۹،۵ سال زمینی طول می‌کشد تا این سیاره یک بار به دور خورشید بچرخد. از سال ۱۳۷۳ تا امروز چرخش یک دور کامل آن را دیده‌ام. با این حال، هنوز دیدنش برایم تازگی دارد و جذاب است.

نجوم بیرون از دانشگاه

فعالیت دکتر مطیعی به دانشگاه محدود نبود. از اوایل دهه ۸۰، نجوم آماتوری در ایران رونق بیشتری گرفت. برنامه‌های عمومی و فعالیت‌های آموزشی باعث شد آسمان شب برای افراد به موضوعی جذاب تبدیل شود.

سال ۱۳۸۶، با ثبت انجمن نجوم مشهد که یکی از قدیمی‌ترین مجموعه‌های نجومی فعال و ثبت شده در مشهد است، فعالیت‌ها شکل منسجم‌تری پیدا کرد و ارتباط با دستگاه‌های دولتی و مجموعه‌های مختلف برایشان آسان‌تر شد. یکی از برنامه‌های خاطره‌انگیز آن دوره، «ماه نجوم» در سال ۱۳۹۰ بود؛ برنامه‌ای که با همراهی شهرداری مشهد برگزار می‌شد و حدود ۹ هزار نفر مخاطب داشت. در این طرح اتوبوس‌ها در طول هفته، علاقه‌مندان را از شهر به برج رادکان می‌بردند تا مردم بتوانند دور از نورهای شهری، آسمان را تماشا کنند.

برای مطیعی، رصد فقط نگاه کردن به چند ستاره نیست؛ ترویج علم و آشناسدن مردم با آسمان، بخشی از هدف فعالیت‌های نجومی اوست.

اعضای خانه «وکیلی» حضور در اجتماعات شبانه سعدآباد را به بخشی از زندگی روزمره خود تبدیل کرده‌اند

خانواده‌ای که شب‌هایش را با محله قسمت می‌کند



راه تجربه



حمیده صفائی‌اشب که می‌شود، بیشتر خانواده‌ها کم‌خوابی را برای پایان یک روز شلوغ آماده می‌کنند؛ بچه‌ها به فکر خواب و فردا هستند و خانه آرام آرام رنگ شب می‌گیرد. اما خانواده وکیلی تازه راهی اجتماعات شبانه می‌شوند. این خانواده پنج نفره حضور فعالی در این اجتماعات دارند؛ برای همین بچه‌ها باید تکالیفشان را انجام داده باشند و کارهای خانه تا جایی که می‌شود سر و سامان گرفته باشند. آقا حامد باید خودش را به برنامه‌های اجرایی برساند و فاطمه خانم هم حواسش به غرفه‌های کودک و نوجوان باشد. خانواده وکیلی از همان نخستین شب شکل‌گیری اجتماعات پای کار آمده‌اند؛ شبی که شاید هیچ‌کدام تصور نمی‌کردند این حضور قرار است بیش از شش ماه ادامه پیدا کند. حامد و فاطمه و سه فرزند یازده، هشت و چهار ساله‌شان حالا بخشی از زندگی خود را با این شب‌ها تنظیم کرده‌اند.

نباشد؛ بچه‌ها باید سهمی در آن داشته باشند، بازی کنند، دوست پیدا کنند و خاطره بسازند. فاطمه خانم می‌گوید: در کنار این اجتماع، بچه‌ها تفریح و حتی در پذیرایی کمک می‌کنند. برای دختران نوجوان هم حلقه‌های گفت‌وگو محور و دوره‌های داریم.

دوستی‌هایی که در سه شب شکل گرفت

فاطمه از چیزی می‌گوید که شاید در نگاه اول دیده نشود؛ آدم‌هایی که در این دو بیست و چند شب، کم‌کم برای هم آشنا و بعد دوست شده‌اند.

او تعریف می‌کند: مردم بیشتر از دو بیست شب است که با هم هستند. در طول این شب‌ها دوستی‌هایی شکل گرفته است. خیلی‌ها هم محله‌ای هستند و حالا در فضای مجازی با هم ارتباط دارند. برای خانواده‌هایی که شب به شب یکدیگر را دیده‌اند، اجتماع فقط یک برنامه چند ساعته نیست؛ بخشی از روابط اجتماعی محله شده است.

فاطمه خانم خاطرات مختلفی از این شب‌ها دارد. او تعریف می‌کند: یکی از خانم‌هایی که به این اجتماعات می‌آمد، باردار بود. پس از مدتی غیبت، حالا با نوزادشان به جمع ما می‌آید. علاوه بر آن یک کودک یک و نیم ساله بود که با خانواده‌اش به اینجای آمد و چندی پیش تولد دوسالگی او را جشن گرفتند.

پشت صحنه این شب‌های پرهیاهو

در اجتماعات شبانه، آنچه مردم می‌بینند، برنامه‌ای است که روی سن اجرا می‌شود؛ بچه‌هایی که بازی می‌کنند، خانواده‌هایی که کنار هم نشسته‌اند و جمعی که شب را در کنار یکدیگر سپری می‌کنند. اما پشت این تصویر، گاهی اتفاق‌هایی رخ می‌دهد که فقط عوامل اجرایی از آن خبر دارند.

آقا حامد تعریف می‌کند: یک شب هنگام اجرا، یکی از بلندگوها به زمین خورد و در میانه شور و حرارت برنامه، صدا قطع شد. خسارتی حدود ۳ میلیون تومان به جاماند.

آقا حامد با یادآوری این خاطرات، دوباره لبخندی می‌زند و می‌گوید: پشت صحنه این کارها فشار زیادی دارد که سعی می‌کنیم مردم آن را نبینند. گاهی اتفاق افتاده است که مهمانی را برای برنامه دعوت می‌کردیم و درست همان شب خبر می‌داد امکان حضور ندارد. این فشارها باعث شده تجربه‌های بسیاری کسب کنیم و طی این مدت، برنامه‌ها بهتر و آسان‌تر پیش برود.



کار هم وظایفی دارم و باید به درستی آن را انجام دهم. برای انجام تمام این امور خیلی وقت‌ها از استراحت خودم می‌زنم. حامد از روزهایی می‌گوید که مهمانی‌ها و دوره‌های خانوادگی طولانی‌تر بود، اما حالا زمان بیشتری از زندگی شبانه به اجتماع اختصاص پیدا کرده است.

او تعریف می‌کند: قبلاً مهمانی‌های طولانی و تفریحاتی با زمان بیشتر داشتیم؛ الان همان میهمانی‌ها هست، اما بازمانی کوتاه‌تر. حتی گاهی در مهمانی هستیم و می‌خواهیم برویم، می‌گویند دوست داریم بیشتر در جمع ما باشید. اما همیشه می‌گوییم باشد در دیدارهای بعدی.

برنامه ریزی، اصل مهم زندگی

در سوی دیگر این ماجرا، فاطمه وکیلی ایستاده است؛ مادر سه فرزند و کسی که بخش کودک و نوجوان اجتماعات پنجره سنا بار را اداره می‌کند. برای او، حضور شبانه در این برنامه‌ها فقط پوشیدن لباس و بیرون آمدن از خانه به همراه همسر و فرزندانش نیست. پشت این حضور، برنامه‌ریزی برای سه کودک، رسیدگی به مدرسه و تکالیفشان و هماهنگ کردن کارهای خانه است.

فاطمه خانم می‌گوید: من سه فرزند یازده، هشت و چهار ساله دارم. گاهی بچه‌ها خسته هستند، گاهی بیماری دارند. مدارس هم که شروع شده و کار زیاد است. همه این‌ها را با هم هماهنگ می‌کنیم تا بتوانیم شب‌ها در اجتماعات حضور داشته باشیم.

او برای حضور در این برنامه با همه چالش‌هایی که ممکن است در طول روز با آن مواجه شود یک اصل ساده دارد؛ «اگر کاری برایمان مهم باشد، برای انجامش برنامه‌ریزی می‌کنیم».

وکیلی ادامه می‌دهد: حضور در اجتماع از نگاه من و همسرم خیلی مهم است و برای همین برنامه‌ریزی می‌کنیم که رأس ساعت ۸ شب آماده باشیم و به اینجا بیاییم. این برنامه‌ریزی حتی به ساعت خواب بچه‌ها هم رسیده است. از آغاز سال تحصیلی جدید، ابتدا تکالیفشان را انجام می‌دهند، بعد کمی استراحت می‌کنند تا بتوانند شب همراه ما باشند.

بچه‌ها هم سهمی از این شب‌ها دارند

اگر حامد در صحنه‌های اجرایی دیده می‌شود، فاطمه شب‌ها بیشتر بین بچه‌هاست. غرفه‌های کودک و نوجوان، قصه‌گویی، بازی، ساخت سازه و حلقه‌های گفت‌وگو برای دختران نوجوان، بخشی از برنامه‌هایی است که با حضور او دنبال می‌شود.

برایش مهم است که فضای اجتماع برای کودکان خشک و رسمی

از پیاده‌روی شبانه تا پاتوق اجتماعی محله

قرار گفت‌وگو با پنجره سنا با داست. آقای وکیلی، مجری برنامه، روی سن ایستاده و مشغول اجرای برنامه است. منتظر می‌مانیم تا کارش تمام شود و از روی سن پایین بیاید؛ چند دقیقه بعد، گفت‌وگو با مادر یازده‌ساله‌اش حضور (تا زمان تهیه گزارش) در اجتماعات شبانه آغاز می‌شود.

حامد وکیلی از همان روزهای نخست در اجتماعات حضور داشت. به گفته او آن روزها خبری از ایستگاه و سن در پنجره سنا نبود. حضور نمازگزاران مسجد حضرت رقیه (س) در محله سعدآباد بیشتر به شکل پیاده‌روی انجام می‌شد تا اینکه کم‌کم ایده تجمع در یک مکان ثابت شکل گرفت و حالا این جمع در پنجره سنا با د گرد هم جمع می‌شوند. آقا حامد می‌گوید: از دهم اسفند تا اوایل فروردین گاهی پیاده‌و گاهی سواره در کوچه پس‌کوچه‌های محله حرکت می‌کردیم. اما کم‌کم به این نتیجه رسیدیم بهتر است در مکانی ثابت باشیم تا اگر کسی از هم محله‌ای‌ها یا نمازگزاران مسجد دیرتر آمد، محل اجتماع را پیدا کند. به دنبال این بودیم جایی را انتخاب کنیم که رفت و آمد هابرای اهالی مزاحمتی ایجاد نکند. بالاخره در پنجره سنا با د مستقر شدیم. طبق گفته آقا حامد، با استقرار در یک مکان ثابت، جنس برنامه‌ها کم‌کم تغییر کرد. دیگر قرار نبود فقط گروهی از نمازگزاران دور هم جمع شوند و پیاده‌روی کنند؛ برنامه‌ها شکل منسجم‌تری گرفت و بخش‌های مختلفی به آن اضافه شد. همین موضوع باعث شد آقا حامد بیشتر درگیر بخش اجرایی شود؛ از هماهنگی برنامه‌ها و دعوت از مهمانان و سخنرانان گرفته تا رسیدگی به جزئیاتی که شاید مخاطب در یک شب عادی کمتر ببیند.

حضور در اجتماع هم بخشی از زندگی ماست

۲۱۵ شب حضور ثابت در اجتماعات، عدد کمی نیست، آن هم برای خانواده‌ای با سه فرزند که در کنار این حضور، زندگی معمول خودشان را هم دارند.

آقا حامد کارمند است و به قول خودش زندگی این روزهایش را به سه بخش انجام امور خانه، محل کار و اجتماعات تقسیم کرده است. او با گفتن این جمله لبخندی می‌زند و می‌گوید: سه حوزه را باید هم زمان داشته باشیم؛ کار، خانه و مهم‌تر از همه اجتماعات. الان به خاطر بازگشایی مدارس و آسایش خانواده‌ها، اجتماعات ما از ساعت ۹ تا ۱۰ شب است. با وجود این تا برسیم خانه و بخوابم زودتر از یک شب نمی‌شود. وکیلی ادامه می‌دهد: صبح زود اول باید بچه‌ها را به مدرسه ببرم، سر

خاطره شنیدنی زهرا هادیزاده، شاگرد دیروز و معاون پرورشی امروز

ناهار خوردن در زنگ علوم

صندوق
خاطرات

و کم‌کم ناهارم را خوردم؛ انگار نه انگار کلاس درس دارم! پنج دقیقه مانده بود به زنگ، خیلی راحت با مادرم خدا حافظی کردم و رفتم سر کلاس.

بالبختی که بر لب دارم، ادامه می‌دهد؛ وقتی وارد کلاس شدم، معلم دعوایم کرد که «چرا غذا نخورده‌ای و کاری کردی که از سر کلاس علوم جا بمانی!» بعد با همان لحن ناراحت گفت «دوران پدرسالاری گذشته است!» ادامه داد که، مگر رسم خانه شما این است که اگر پدر غذا نخورده باشد، بچه‌ها هم نباید غذا بخورند و مادرت بعد از ناهار پدرت برای تو غذا بیاورد؟!،

● کنایه‌ای که در ذهنم ماندگار شد

هادیزاده می‌گوید: آن لحظه منظور معلم را نفهمیدم، اما چند دقیقه بعد تازه متوجه کنایه او شدم. شانس آوردم زنگ تفریح شد، وگرنه نمی‌دانم چطور می‌توانستم خنده‌ام را کنترل کنم. این ماجرا بعدها در خانه مابندیل به یک جک شد و همیشه آن را تعریف می‌کنیم.

حالا که او خودش با دانش‌آموزان سروکار دارد، سعی می‌کند از روی یک رفتار یا یک اتفاق، شاگردان و خانواده‌هایشان را قضاوت نکنند، بلکه با آن‌ها همدل باشد و پای حرف‌هایشان بنشینند. زهرا خانم می‌گوید: من مدرسه را خیلی دوست داشتم و هنوز هم وقتی بچه‌ها را می‌بینم، انگار بخشی از آن روزها دوباره برایم زنده می‌شود.

خنده‌اش می‌گیرد. او می‌گوید: آن سال سریال پدرسالار پخش می‌شد و به خاطر یک اتفاق در زنگ علوم این سریال هنوز هم در ذهنم مانده است. مدارس آن زمان شیفتی بود و هادیزاده هم یک روز به قول خودش آن قدر مشغول شیطننت شده بود که ناهار نخورده‌های مدرسه شد. مادرش که نمی‌توانست تحمل کند دخترش ناهار نخورده باشد، غذایش را برداشت و به مدرسه برد. زهرا خانم تعریف می‌کند: زنگ علوم بود. من هم به خاطر سخت بودن این درس زیاد آن را دوست نداشتم. معاون مدرسه من را صدا زد. رفتم دفتر و با خیال راحت کنار مادرم نشستم.



صفائی! حالا که فصل پاییز رسیده، بخشی از دوران کودکی‌اش را دوباره زندگی می‌کند؛ کودکی پر جنب و جوش که مدرسه را خیلی دوست داشت و از همان روز اول تصمیم گرفته بود مستقل باشد.

زهرا هادیزاده عنبران، حالا معاون پرورشی دبستان امام حسین (ع) است؛ مدرسه‌ای که روزگاری پشت نیمکت‌هایش می‌نشسته و حالا سعی می‌کند قبل از هر چیزی باشاگردان مدرسه رفیق باشد و به حرف‌هایشان گوش جان بسپارد. این ساکن محله گوهرشاد که تفاوت زیادی بین رفتار دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان در دهه‌های قبل و امروز می‌بیند، با تکیه بر سال‌ها تجربه معتقد است که دوستی و گفت‌وگو با دانش‌آموز به شیوه درست، بهترین مسیر بدون دردسر برای آموزش است.

● دوران پدرسالاری گذشت

هادیزاده وقتی از روزهای دانش‌آموزی‌اش حرف می‌زند، لبخند می‌زند و می‌گوید: من بچه آخر خانواده بودم و شخصیت مستقلی داشتم. روز اول مدرسه مادرم من را همراهی کرد، اما به او گفتم از فردا خودم می‌روم و دیگر با من نیا. دوست داشتم کارهایم را هم خودم انجام بدهم.

یکی از شیرین‌ترین خاطرات خانم معلم به کلاس چهارم و زنگ علوم برمی‌گردد: خاطره‌ای که هنوز هم وقتی تعریف می‌کند،

نوجوان محله نوید، مسیر حفظ کتاب خدا و درس را هم‌زمان پیش می‌برد

قرآن، راز جهش تحصیلی

امید محله

● حفظ قرآن چه کمکی به

درس خواندن کرده است؟

یکی از دستاوردهایش، قوی تر شدن حافظه‌ام است. به‌ویژه در درس‌هایی که نیاز به حفظ کردن دارند، راحت‌تر هستم و معمولاً با یک بار خواندن، مطالب را خوب متوجه می‌شوم.

● الگوی قرآنی‌ات چه کسی است؟

استاد محمد صدیق منشاوی الگوی من هستند. صدایی خیلی خوب و آسمانی دارند و من همیشه برای شروع حفظ آیات، صوت ایشان را گوش می‌دهم.

● برای حفظ آیات روش خاصی داری؟

تابستان هاروژی یک صفحه حفظ می‌کردم، اما الان که درس‌هایم بیشتر شده، روزی ۹ خط حفظ می‌کنم. ابتدا صوت آیات را گوش می‌دهم و بعد با همان قاری شروع به خواندن می‌کنم. معمولاً با سه بار تکرار، آیه را حفظ می‌شوم.

● برای آینده چه برنامه‌ای داری؟

می‌خواهم حافظ کل قرآن شوم و بعد به کسانی که به حفظ قرآن علاقه دارند، کمک کنم تا آن‌ها هم در این مسیر موفق شوند.

● شنیده‌ایم دو پایه تحصیلی را به صورت جهشی گذرانده‌ای. برایمان از این تجربه بگو.

من از درس خواندن خیلی خوشم می‌آید. از چهار سالگی به دلیل قرآن خواندن و شرکت در کلاس زبان انگلیسی، حروف فارسی را هم یاد گرفتم. هم‌زمان با کلاس اول، درس‌های کلاس دوم را می‌خواندم و در پایه سوم هم کلاس چهارم را خواندم. به این ترتیب دو سال جهشی درس خواندم و الان دانش‌آموز پایه هشتم هستم.

مطهره چنارانی، در کلاس قرآن مسجد امام حسین (ع) محله شرکت کردم. آنجا با خانم هاشمی، استاد حفظ قرآن، آشنا شدم. بعد از یادگیری روخوانی و روان‌خوانی، حفظ قرآن را به صورت جدی و حرفه‌ای ادامه دادم.

● از قرآن چه چیزی برای زندگی یاد گرفته‌ای؟

در آیات و سوره‌های قرآن درس‌های زیادی برای زندگی وجود دارد. برای مثال، در سوره بقره درباره احترام به بزرگ‌ترها، صدقه دادن و پرهیز از اسراف تأکید شده است. سعی می‌کنم در کنار حفظ، به این آموزه‌ها هم در زندگی عمل کنم. برای من، قرآن فقط کتابی برای خواندن و حفظ کردن نیست؛ راهنمای زندگی و همدم من است.



صدرا جلسات قرآن خانوادگی برای سیده حنانه فیروزی نقطه شروع یادگیری قرآن و بعدها حفظ این کتاب مقدس است. حنانه از پنج سالگی خواندن قرآن را آغاز کرد و در هشت سالگی جزء ۳۰ را از حفظ بود. حالا مدرک حفظ جزء ۳۰ و ۵ جزء قرآن را از حرم مطهر رضوی و دارالقرآن یحیی بن زید (ع) در بولوار توس دریافت کرده و خودش را برای دریافت مدرک حفظ ۱۰ جزء اول قرآن آماده می‌کند. می‌خواهد حافظ کل قرآن کریم باشد و بعد هم به کسانی کمک کند که در این مسیر قدم می‌گذارند. علاقه او به درس هم بر کسی پوشیده نیست و توانسته تا کنون دو سال تحصیلی را جهشی بخواند و الان دانش‌آموز کلاس هشتم است.

● چطور به قرآن علاقه‌مند شدی؟

در خانواده‌ای مذهبی بزرگ شده‌ام که برگزاری جلسات قرآن در آن همیشه جایگاه ویژه‌ای داشته است؛ خانواده پدری هر دو هفته یک بار و خانواده مادری پنجشنبه هر ماه جلسه قرآن دارند. من هم از کودکی در این فضا حضور داشتم و به تدریج به خواندن قرآن علاقه‌مند شدم.

● خواندن و حفظ قرآن را از چه زمانی شروع کردی؟

از پنج سالگی در خانه خواندن قرآن را شروع کردم و تا هشت سالگی توانستم جزء ۳۰ را حفظ کنم. نه ساله که شدم، همراه دوستم،

زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین^(ع)، هدایت، ایثارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمرقند، آیت...، عبادی، شهیدفرامرز عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه قند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین یاشی، کاشانی

احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاده، آبکوه، ارشاد، صاحب الزمان^(ع)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر

محلات منطقه‌ها

روایت خدمت

گزارش عملکرد شورای اجتماعی محلات منطقه ۲ (شش ماهه دوم ۱۴۰۴)

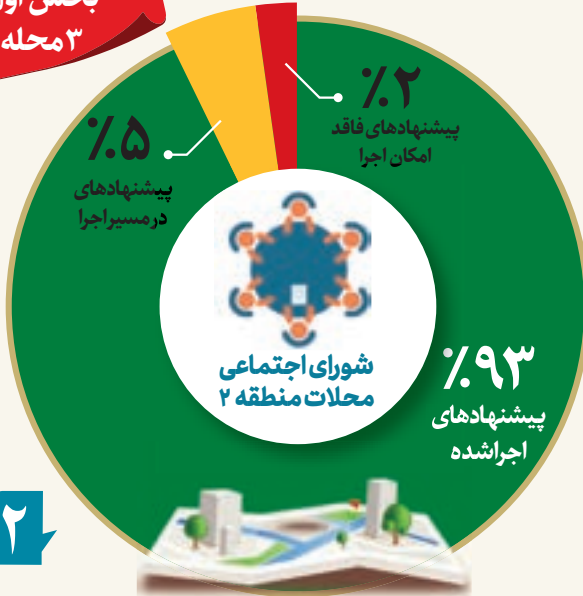
گستره خدمت: ۲۵ محله

بازوهای اجرایی: ۲۵۰ عضو منتخب مردم در شورای اجتماعی محلات

خروجی جلسات: ۴۵۰ پیشنهاد

منتخبی از پیشنهادهای اجراشده در شورای اجتماعی محلات منطقه ۲ را با هم مرور می‌کنیم

بخش اول
محله ۳



۲

محله عبدالمطلب

- شناسایی سالمندان محل برای تشکیل کارگروه «چشم و چراغ»
- اجرای پویش «مشهد مهربان» در مساجد سطح محله
- اجرای پویش «مشهد مهربان» در مدرسه شهید محمودی به منظور آزادی زندانیان جرائم غیر عمد
- اجرای طرح جمع‌آوری دارو برای نیازمندان
- اطعام گشت‌های بسیج با مشارکت فعال اهالی و خواهران بسیجی
- سیاه پوش کردن محله در ایام عزاداری رهبر شهید
- برگزاری مراسم عزاداری، محافل تلاوت قرآن کریم و مراسم یادبود برای رهبر شهید و دیگر شهدای جنگ تحمیلی سوم
- مشارکت در اجرای پویش «مشهد مهربان» و آماده‌سازی حدود ۱۰۰ پیک تحصیلی برای دانش‌آموزان بدسرپرست و بی‌سرپرست
- مشارکت در تهیه و توزیع بسته‌های هدیه برای شب یلدا به خانواده‌های بدسرپرست و بی‌سرپرست
- مشارکت در برگزاری نمایش آیینی واقعه عاشورا در دهه دوم محرم در محله
- پیگیری و اصلاح پلاک منازل کوچه عبدالمطلب ۳۵
- تشکیل کارگروه جوانان و برگزاری جلسات این کارگروه در مساجد محله
- برگزاری کلاس‌های دوام‌تامن با موضوع آموزش و اجرای طرح‌های غربالگری سلامت در مساجد محله
- مشارکت در جشن متمرکز در دهه ولایت در عبدالمطلب ۴
- رنگ آمیزی دیوارهای مدارس بین شفا ۹ و ۷
- چاپ و نصب پلاک افتخار بر سردر منزل شهیدان محله

محله ایثارگران

- هماهنگی با مساجد و مدارس محله به منظور اسکان در صورت لزوم
- هماهنگی برای افزایش مدت بازبودن مساجد و ارائه خدمات به مردم
- مشارکت در نصب پرچم ایران جلو برخی از فروشگاه‌های محله در دوران جنگ تحمیلی سوم
- هماهنگی با مساجد و مدارس محله به منظور اسکان در صورت لزوم
- قدردانی از گروه عفاف و حجاب محله که هر چهارشنبه مشغول فعالیت هستند
- برگزاری کلاس‌های دوام‌تامن در مساجد محله
- مشارکت در برگزاری مراسم در بوستان‌ها در جشن‌های شعبانیه
- دیدار با خانواده شهیدان صفدری نژاد و قدردانی از مادر شهید
- اجرای طرح «چشم و چراغ محله» هم‌زمان با اجرای طرح «مغز بادوم» در مساجد
- دیدار با مادر شهید جمهور
- مشارکت در برنامه دیدار دانش‌آموزان چهارم ابتدایی از مزار شهید جنگ دوازده روزه در آرامگاه خواجه ربیع
- تهیه پذیرایی و شاخه گل و اتوبوس برای اجرای طرح «زنگ محله»
- اجرای طرح زیارت امام رضا^(ع) برای سالمندان محله
- معرفی لیست کودکان بازمانده از تحصیل به خیران محله و پیگیری تحصیل آن‌ها
- برگزاری نشست مشترک باکلانتری در خصوص امنیت محله
- هماهنگی با شهردار منطقه برای بازدید میدانی از محله و رفع مسائل عمرانی

محله ابوطالب

- اجرای طرح «مغز بادوم» در مسجد حضرت ابوالفضل^(ع)
- راه‌اندازی غرفه‌های اجتماعی با موضوع عوارض سقط جنین در نمایشگاه‌های مساجد محله
- مشارکت در پذیرایی از گشت‌های نیروهای انتظامی و بسیج با کمک مساجد محله
- برگزاری کلاس‌های دوام‌تامن با موضوع آموزش و انجام تست‌های غربالگری در مساجد محله
- هماهنگی برای افزایش مدت بازبودن مساجد برای ارائه خدمات بهداشتی
- اجرای طرح «چشم و چراغ» محله هم‌زمان با اجرای طرح «مغز بادوم» در مسجد حضرت ابوالفضل^(ع)
- مشارکت در نصب پرچم ایران جلو برخی از فروشگاه‌های محله در دوران جنگ تحمیلی
- تشکیل کارگروه بانوان و جوانان در محله
- استفاده از مساجد و مدارس سطح محله به منظور اسکان در صورت لزوم
- مشارکت در امور مساجد برای افزایش مدت زمان بازبودن مساجد و ارائه خدمات به مردم